نگاه

مدال‌هایی که لکه ننگ می‌شوند

پرویز پرستویی

هم‌وطنان عزیزم

● اکنون در آستانه سالگرد شهادت بیش از ۲۹۰ مسافر بی‌گناه هواپیمای ایرباس کشورمان برفراز خلیج فارس هستیم.

درسال ۱۳۶۷ با دستور کاپیتان ویل راجرز ماشه‌ای بر روی صفحه شلیک موشک‌های ناو فوق پیشرفته وینسنس فشار داده شد تا تمامی این هم‌وطنان عزیزمان به‌ناگاه از صفحه رادار زندگیمان محو شوند.

درحال‌حاضر و پس از ۲۹ سال همچنان خانواده‌های شهدای این واقعه عزادارند و برای این جنایت محرز هرگز کسی در آمریکا و جهان از آنان عذرخواهی نکرد و در عوض و در این سال‌ها، کاپیتان ویل راجرز و هفت نفر از دست‌اندرکاران این واقعه شوم، دلخوش به مدال‌های (ابراز شجاعت در عملیات رزمی) گرفته‌شده از ژنرال‌سالاران ارتش و دولتشان هستند.

پس بیاییم و در حرکتی مردمی، همدرد این خانواده‌ها باشیم. قبلا پیشنهاد داده‌ام فرودگاه بندرعباس به یاد این شهدا نام‌گذاری شود تا به‌صورت رسمی، سؤالی باشد این نام‌گذاری برای تمامی مسافران پروازهای جهانی فرودگاه؛ اما متأسفانه پاسخی از سوی مراجع ذی‌ربط دریافت نشد.

به هرحال امسال پیشنهاد می‌کنم در سالروز ۱۲ تیر و در تمامی پروازهای داخلی و خارجی خلبانان کشورمان در پیام‌هایی خودجوش برای مسافرانشان نامی از شهدای همکارشان در آن پرواز ببرند و یادشان را گرامی بدارند.

و باز پیشنهاد می‌کنم هرکس به ایران و مردمش عشق می‌ورزد، عکس و متنی از این واقعه در صفحه خود قرار دهد و دیگران را نیز به این کار تشویق کند. دوست من، خود ما باید به جهان ثابت کنیم مانند سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و... خون هم‌وطنانمان ما نیز قابل معامله با هیچ توجیهی نیست، چه رسد که به آن خاطر مدال‌ها داده شود.

پس همگی در ۱۲ تیر کاری کنیم که این مدال‌ها در تاریخ جهان، به لکه ننگ تبدیل شوند.

ادامه از صفحه ۲

مسئولان دخیل در قضایای سال ۶۷ آقایان نیری، رئیسی، ری‌شهری، اشراقی و پورمحمدی بودند

● آقای منتظری هیئتی داشتند به نام هیئت عفو که مرحوم گیلانی، ابطحی، سیدجعفر کریمی و آقای محفوظی بودند. اینها رفته بودند خدمت مرحوم منتظری برای پیگیری پرونده‌های عفو و جلسه هیئت عفو در منزل ایشان برگزار شد. بنده نیز برای تقدیم گزارش‌های معمول در آنجا حضور داشتم. در آن جلسه حاج‌احمد آقا به آقای منتظری گفتند «حاج‌آقا! الان شما اینجا هستید، خوب است که آن بحث شکستن فک‌ها را مطرح کنید تا ببینیم موضوع چه بوده است». آقای منتظری گفتند بعد از زمان آقای لاجوردی می‌گویند وضع زندان‌ها بدتر شده و ۳۰۰ تا فک شکسته شده و من همین‌جور با تعجب ماندم که در پاسخ به این ادعای بی‌اساس چه بگویم. من به آقای منتظری گفتم کسانی که این حرف‌ها را زدند معنی این حرف را نمی‌دانند چیست! من به شما توضیح می‌دهم که فک‌شکستن یعنی چه، کسی که فکش می‌شکند، به قدری درد وحشتناکی دارد که یا باید از درد بمیرد یا باید او را درمانش کنی. پس از این اظهارات، گفتم اصلا ۳۰۰ تا نه، شما اگر توانستید یک نفر را اثبات کنید که فکش شکسته شده، بنده همه حرف‌هایی که به شما گزارش کرده‌اند را می‌پذیرم.

● یکی از بهانه‌ها این بود که مثلا گروهی از زندانیان که حکم‌های یک‌ساله داشتند و دوره محکومیت آنها نیز تمام شده بود، به دلیل اینکه همچنان با منافقین در ارتباط بودند، از زندان آزاد نشده بودند و صحبت شهید لاجوردی هم این بود که اگر اینها را رها کنیم فردا باید دوباره با صرف هزینه اینها را در خانه‌های تیمی دستگیر کنیم. بنده آمدم مشخصا با این هزار نفر مصاحبه کردم. تعدادی از اینها فعالیت گروهی داشتند مثلا در همان زمان که در زندان هم بودند اعلامیه پخش می‌کردند و زندانیان را تحریک می‌کردند.

● ما گفتیم اینهایی را که چنین اقداماتی در زندان انجام داده‌اند، دوباره بازجویی کنیم تا به اقدامات داخل زندان خود اعتراف کنند تا دلیل منطقی برای تجدید محاکمه آنها داشته باشیم. بنابراین پس از بررسی‌های دقیق و گزارش‌های مکتوب با کیفرخواست‌هایی که برای آنها تهیه شد، دوباره دادگاه برگزار کردیم و کسانی که جرمشان محرز شد به حبس‌های اضافه سه سال، پنج سال و... محکوم شدند. تعدادی دیگر نیز با تعهدگرفتن از آنها رها شدند و تعدادی بودند که در دست بررسی بودند.

۲۹ سال از سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو جنگی آمریکا گذشت

جعبه سیاه شلیک به ایرباس

ابراهیم ایوبی . کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل

تشییع پیکر شهیدان سقوط ایرباس

پرواز با هواپیما در ایران سال‌هاست که جزء حادثه‌خیزترین مسافرت‌ها محسوب می‌شود. طبق آمار شبکه ایمنی هوانوردی، تاکنون بیش از هزارو ۵۰۰ حادثه هوایی در ایران رخ داده که بیش از ۵۰ مورد آن دارای حادثه مرگبار بوده است. هرچند هر کدام از این حوادث ناراحت‌کننده بوده و سال‌ها در ذهن بازماندگان باقی مانده است، اما ۲۹ سال پیش در چنین روزی، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران به‌وسیله ناو آمریکایی در آب‌های خلیج‌فارس، همچنان در اذهان ایرانیان به عنوان تلخ‌ترین حادثه هوایی کشور حک شده است. ۱۲ تیر ۱۳۶۷ پرواز شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی «ایران ایر» از تهران به مقصد دوبی پس از توقف در بندرعباس به سمت امارات در حرکت بود که با شلیک دو موشک هدایت‌شونده از سوی رزم ناو «یو. اس.اس وینسنس» متعلق به نیروی دریایی آمریکا سرنگون شد که تمامی ۲۹۰ سرنشین هواپیما که مردم عادی و غیرنظامی بودند، جان خود را از دست دادند. در میان این کشته‌شدگان ۴۶ نفر اتباع غیرایرانی از کشورهای امارات، ایتالیا، فرانسه، یوگسلاوی، هند و پاکستان نیز وجود داشتند.

دولت وقت ایران، سریع به این ماجرا واکنش نشان داد و دو روز پس از حادثه در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواستار تشکیل جلسه فوری برای رسیدگی به این ماجرا شد. شورای امنیت در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پس از شنیدن سخنان «علی‌اکبر ولایتی»، وزیر خارجه وقت ایران و «جورج بوش»، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مبادرت به صدور قطع‌نامه شماره ۶۱۶ می‌کند. این شورا در این قطع‌نامه پنج‌بندی ضمن ابراز تأسف از سقوط هواپیمای غیرنظامی به وسیله یک ناو جنگی و اعلام همدردی با خانواده قربانیان و نیز حمایت از تصمیم سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری مبنی بر تشکیل کمیته تحقیق؛ در پایان بر لزوم اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر تعیین شورای امنیت به‌عنوان تنها مرجع حل عادلانه و پایدار منازعه میان ایران و عراق پافشاری می‌کند! متن این قطع‌نامه که با ۱۵ رأی موافق و بدون مخالف یا ممتنع تصویب شد؛ به این شرح است: «شورای امنیت، با بررسی نامه مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۸۸ جانشین نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به رئیس شورای امنیت و با استماع بیانات نماینده جمهوری اسلامی ایران و سخنان نماینده ایالات متحده آمریکا با ابراز تأسف عمیق از اینکه یک هواپیمای غیرنظامی ایران ایر در پرواز برنامه‌ریزی‌شده بین‌المللی ۶۵۵، در پرواز بر فراز تنگه هرمز به وسیله موشک شلیک‌شده از ناو جنگی ایالات متحده آمریکا (وینسنس) منهدم شده است، بر ضرورت تبیین حقایق سانحه با بازرسی بی‌طرفانه در منطقه خلیج [فارس] تأکید داشته و اظهارات خود را به شرح زیر اعلام کرد:

۱- تأسف عمیق خود را از ساقط‌کردن هواپیمای غیرنظامی ایران به وسیله موشکی که از یک ناو جنگی آمریکا شلیک شده و تسلیت عمیق خود را به خاطر ازدست‌رفتن غم‌انگیز جان انسان‌های بی‌گناه ابراز می‌دارد.

۲- همدردی صمیمانه خود را به خانواده‌های قربانیان سانحه غم‌انگیز و دولت‌ها و کشورهای آنان اعلام می‌دارد.

۳- از تصمیم سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری در پاسخ به درخواست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ایجاد گروه تحقیق برای بررسی تمام حقایق موجود همچنین از اعلام ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تصمیم‌شان برای همکاری با بررسی سازمان هواپیمایی کشوری استقبال می‌کند.

۴- از تمامی اعضای کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، درخواست می‌کند که در همه شرایط، مقررات و رویه‌های سلامت هوانوردی کشوری به‌ویژه ضمائم آن کنوانسیون به منظور جلوگیری از چنین پیشامدهایی را دقیقا مراعات کنند.

۵- لزوم اجرای فوری و کامل قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت، شورا را به عنوان تنها مبنای حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار، منازعه میان ایران و عراق ابراز و پشتیبانی خود را از دبیر کل برای اجرای این قطع‌نامه اعلام و خود را ملزم به همکاری با دبیرکل برای تسریع در اجرای طرح اجرائی او می‌نماید.»

هر چند قطع‌نامه ۶۱۶ خواسته‌های ایران را برآورده نکرد، اما محکومیت عمل ناو جنگی آمریکایی از سوی شورای امنیت که مؤثرترین رکن سازمان ملل متحد را دارا است و وظیفه ایجاد امنیت در صحنه جهانی را بر عهده دارد، نمی‌توانست بی‌ارتباط با حضور اتباعی از کشورهای فرانسه که عضو دائم شورای امنیت است و ایتالیا و یوگسلاوی که هر دو در آن زمان اعضای غیردائم شورا بودند، در میان قربانیان باشد.

از آنجایی که ایران و آمریکا هر دو عضو مؤسس سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری «ایکائو» (سازمانی بین‌المللی در زمینه هوانوردی فراملی که از سال ۱۹۴۷ شروع به کار کرده و به عنوان نهادی وابسته به سازمان ملل فعال است) هستند؛ جمهوری اسلامی بر مبنای معاهده شیکاگو که مهم‌ترین کنوانسیون مربوط به هوانوردی و حقوق هوایی است، موضوع را در شورای ایکائو طرح کرد. در آن زمان جورج بوش به عنوان معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در اجلاس ایکائو حاضر شد و ضمن ابراز تأسف از حادثه اعلام کرد دولت آمریکا حاضر است مبلغ قابل توجهی را به عنوان مساعدت به خانواده قربانیان پرداخت کند، اما مسئولیت را متوجه ناخدای ناو نمی‌داند؛ زیرا او قصد دفاع از خود را داشته است. این شورا نیز پس از تشکیل جلساتی در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در نهایت موضوع را حادثه‌ای غیرعمدی در نتیجه اشتباه در شناسایی هواپیما دانست. همین باعث شد که ایران نیز به تصمیم ایکائو به دیوان دادگستری بین‌المللی اعتراض کند. به دنبال اعتراض ایران به این تصمیم، دیوان بین‌المللی دادگستری روز ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۴ (۲۱ شهریور ۱۳۷۳) را برای رسیدگی به دعوی تعیین کرد. اما یک ماه پیش از برگزاری جلسه، با موافقت ایران و آمریکا رسیدگی به تعویق افتاد. بعد از انجام مذاکراتی میان طرفین، در نهایت در ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ (۳ اسفند ۱۳۷۴) مصالحه حاصل شد و دعوی از دستور کار دیوان بین‌المللی دادگستری خارج شد. در این توافق دولت آمریکا از پذیرش مسئولیت خودداری کرد، اما پذیرفت مبلغی (۵۵ میلیون دلار) به‌عنوان خسارت به خانواده قربانیان و نیز غرامتی (۴۰ میلیون دلار) به دولت ایران بابت انهدام هواپیمای متعلق به شرکت هواپیمایی دولتی (ایران‌ایر) پرداخت کند.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند». پس از آنجایی که هواپیمای سرنگون‌شده متعلق به دولت ایران و طرف دعوی نیز خارجی بوده است؛ لزوم تصویب مجلس بدیهی به نظر می‌رسید، اما این توافق بدون تصویب در مجلس شورای اسلامی عملیاتی شد. همین باعث شد تا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ دکتر سیدمحمود کاشانی، از استادان برجسته حقوق، در نامه‌ای به علی‌اکبر ناطق‌نوری، رئیس وقت در دوره چهارم مجلس، نسبت به مصالحه میان ایران و آمریکا درخصوص پرونده سرنگونی هواپیمای ایرباس از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی اعتراض کند. در این نامه هفت پرسش و نکته بنیادین مطرح شد که خلاصه آن به این شرح است: اول، در شرایطی که آمریکا ایران را در حادثه انفجار مرکز فرهنگی یهودیان در بوینس‌آیرس متهم می‌سازد، چرا دولت ایران نسبت به رسیدگی به پرونده ایرباس در دیوان لاهه درخواست توقف رسیدگی کرده است؟ دوم، چرا سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (تشکیلاتی زیرمجموعه نهاد ریاست‌جمهوری که پیگیر مسائل حقوقی بین‌المللی کشور است) برخلاف شواهد ادعا می‌کند دولت آمریکا تسلیم خواسته‌های ایران شده است؟ سوم، چرا دولت به تصمیم ناعادلانه سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری رضایت داده است؟ چهارم، دلیل مصالحه با آمریکا بدون رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی (تصویب مجلس) چیست؟ پنجم، استرداد دعوی موجه، قوی و دنیاپسند ایران از دیوان، جو منفی علیه آمریکا را از بین می‌برد؛ ششم، دولت آمریکا با بیان عدم اعتماد به دولت ایران، خواستار پرداخت مستقیم غرامت به قربانیان شده است؛ هفتم، پذیرش واریز غرامت به یک حساب بانکی تضمینی، ممکن است موجب توقیف آن توسط شاکیان آمریکایی با ادعاهای واهی علیه دولت ایران شود.

۲۹ سال از حادثه سرنگونی هواپیمای «ایران‌ایر» و شش سال از اوراق‌شدن رزم‌ناو آمریکایی «وینسنس» که در سال ۱۹۸۴ به آب انداخته شده بود، می‌گذرد؛ اما آن مصالحه صورت‌گرفته مانع از تشکیل جلسه و صدور رأی در زمینه یکی از مهم‌ترین مخاطرات هوایی قرن شد که می‌توانست جدای از احقاق حقوق حقه ایران، در صنعت هوانوردی جهان نیز رویه‌ساز باشد. آیا روزی «جعبه سیاه» آن مصالحه و اتفاقات پیرامونی آن کشف خواهد شد؟

نگاه بیرون

ایران و بحران قطر

ترجمه: آزاده بابایی‌نژاد

در اوج بحران تازه خلیج فارس، ایران ژست صلح‌طلبی به خود گرفته و برخلاف تصور رایج که می‌پندارد تهران از آب گل‌آلود، ماهی می‌گیرد، این‌بار پرهیز از خشونت را تنها راهکار منطقی برون‌رفت از بحران یادشده می‌داند. پس از گذشت سه روز از حملات تروریستی در تهران، کمیسیون امنیت ملی این کشور در نخستین نشست خود در قبال بحران قطر از سیاست «بی‌طرفی مثبت» تهران خبر داد و گفت ایران با دو شرط حفظ تمامیت ارضی قطر و نیز تبدیل‌نکردن این بحران به نزاع مسلحانه، تصمیم گرفته موضع‌گیری نکند. مؤید این سخن، گفته‌های ظریف در سفرش به ترکیه است، آن‌گاه که همتای ترکش از عزم جدی آنکارا برای ارسال نیروهای ترک به دوحه در حمایت از قطر سخن گفت؛ اما او ابراز کرد که تهران مایل نیست جنگ جدیدی در منطقه رخ دهد و تهران امیدوار است طرفین این منازعه به راه‌های دیپلماتیک دست یابند. به باور آگاهان سیاسی در ایران، بحران تازه در روابط قطر با چهار کشور عرب منطقه نه‌تنها به وخامت اوضاع می‌انجامد، بلکه یحتمل وقوع جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای نیز دور از تصور نیست و ایران ناخواسته، از گزند این آتش در امان نخواهد ماند و اختلافاتش با ریاض عمیق‌تر می‌شود. نکته مهم‌تر که باعث شد اسرائیلی‌ها نفس راحتی بکشند، انتصاب محمدبن‌سلمان به سِمت ولیعهدی عربستان است، چون در تل‌آویو می‌گویند او توان نظامی آن را دارد که دامنه جنگ را به داخل مرزهای دوحه بکشاند و این‌چنین ایران به هواخواهی قطر، وارد جنگ شود. از سوی دیگر برخی کارشناسان ایرانی بر این باورند که اختلافات ریاض و دوحه قدیمی است و تهران با این دو بهانه که قطر منافع ایران در سوریه و عراق را تهدید می‌کند و نیز از سازمان‌های مخالف بشار اسد به‌عنوان اهرم قدرت تهران در منطقه، حمایت همه‌جانبه می‌کند، نباید وارد کارزار این دو کشور عرب شود.

درهمین‌حال و بنا به باور تحلیلگران منطقی نیست ایران در بحران اخیر موضع‌گیری رسمی کند، هرچه باشد ریاض و دوحه در نهایت به این نتیجه می‌رسند که اختلاف‌ها را کنار بگذارند و با توجیه وجود دشمن مشترک، با هم متحد شوند. علاوه بر این، مقام‌های این دو کشور از بحران جدید به‌عنوان اختلاف در خانه یاد می‌کنند، حضور تهران در این دعوای خانگی فقط به پیچیدگی اوضاع منجر می‌شود و این دقیقا با شعار انتخاباتی حسن روحانی که از بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان سخن گفته بود، در تضاد آشکار است.

منبع: القدس‌العربی

حاشیه سیاست

مادران ایرانی حیات می‌بخشند اما تابعیت نه

● زن ایرانی با مرد یونانی ازدواج می‌کند. این زوج در آرژانتین صاحب فرزند دختری می‌شوند. زن و شوهر وقتی فرزندشان سه‌ساله است از هم جدا می‌شوند. مادر و دختر به ایران بازمی‌گردند تا در وطن مادری به زندگی خود ادامه دهند، اما بنابر قوانین فعلی، تابعیت ایران از مادر منتقل نمی‌شود؛ یعنی دختربچه‌ای که در گزارش سایت «داتیکان» با نام مستعار نیکا از او نام برده می‌شود، بی‌شناسنامه می‌ماند.

این تنها نیکا نیست که در وطن مادری خود بی‌شناسنامه است. سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، رضا شیران‌خراسانی، برآورد کرده که حدود یک میلیون نفر در ایران بی‌شناسنامه هستند. اغلب ازدواج‌های زنان ایرانی با اتباع دیگر کشورها در نواحی مرزی و با مردان پاکستانی و افغانستانی انجام می‌شود.

طرح اعطای تابعیت از طریق مادران تابه‌حال سه دفعه در مجلس طرح شده است؛ دو بار با رأی اکثریت نمایندگان رد شد و بار سوم هم در دست بررسی است. دو استدلال فراگیر درخصوص مخالفت با این طرح بین نمایندگان مجالس قبل وجود داشت؛ خطرات امنیتی اعطای تابعیت به کودکان مهاجران غیرقانونی و تشویق‌شدن کارگران کشور

های همسایه برای مهاجرت به ایران. درحال‌حاضر فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بعد از ۱۸سالگی، می‌توانند با اقامت یک‌ساله در ایران تابعیت کشور مادر خود را کسب کنند و صاحب شناسنامه شوند.

کودکان حاصل از این ازدواج در تمام کودکی با مشکل روبه‌رو هستند؛ از آموزش و خدمات بهداشتی تا ازدواج. در گزارش میدانی روزنامه اعتماد (به تاریخ ۱۳۹۴/۷/۶) راهبه که مادری ایرانی و پدری افغانستانی دارد، می‌گوید: «چند سال پیش یک بار مأموران به خانه ما آمده بودند، ما مدرسه بودیم و مادرم سر کار. فقط خواهر بزرگ و خواهر کوچکم که آن‌موقع یک‌ساله بود، در خانه بودند. می‌خواستند آنها را بفرستند به آن‌طرف مرز؛ به افغانستان. مادرم همان‌موقع به خانه رسیده بود. به آنها التماس کرد و از چند اداره نامه گرفت تا راضی شدند خواهرانم را نبرند».

JEON
Since 1960
The Roof

خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷
۲۲۷۹۱۲۱۹
۲۲۷۹۱۲۷۵